

## مؤلفه‌های برنامه درسی و روحیه کارآفرینی دانشجویان: مطالعه‌ی مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی البرز

فیض الله منوری فرد<sup>۱\*</sup> سید حمید موحد محمدی<sup>۲</sup>، احمد رضوانفر<sup>۳</sup>

(۱) دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران.  
(۲ و ۳) استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران.

\* نویسنده مسئول: [Monavvarifard@ui.ac.ir](mailto:Monavvarifard@ui.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۶

### چکیده

فرایندهای یاددهی و یادگیری به عنوان قلب فعالیت‌های آموزشی نقشی غیر قابل انکار در توسعه‌ی توانمندی‌های فکری و عملی دانشجویان (شامل توانمندی‌های کارآفرینانه) بازی می‌کند. از سوی دیگر، یادگیری در محیط‌های آموزشی تابعی از مجموعه‌ی مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی است. این بدان معنی است که صلاحیت‌های دانش‌آموختگان تنها بر اساس یکی از مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی تبیین نمی‌شود بلکه برآیندی از تمام آن مؤلفه‌ها است. مع‌العسف، پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی نقش برنامه‌ی درسی بر صلاحیت‌های دانشجویان (از جمله شایستگی‌های کارآفرینانه‌ی آنان) تنها به یک یا دو مؤلفه‌ی برنامه‌ی درسی توجه داشته‌اند و سایر مؤلفه‌ها را نادیده گرفته‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش برای واکاوی اثر مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی بر روحیه کارآفرینی دانشجویان در مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان البرز است. بدین منظور، اقدام به گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و تحلیل آنها در محیط نرم‌افزار *SPSSWin20* شد. جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی، در استان البرز بودند (۲۰۰۴  $N=$  که از این میان، ۱۷۸ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتساب متناسب در دو مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) و دکتر جوانشیر بود. یافته‌های آمار توصیفی حاکی از پایین بودن سطح روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان در هر دو مرکز بود. تحلیل همبستگی نشان داد که بین همه‌ی مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی (روش تدریس، محتوا، محیط فیزیکی، فراگیر، آموزشگر، ارزشیابی و قوانین و مقررات) با روحیه کارآفرینی دانشجویان رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در نهایت، چهار مؤلفه محتوای آموزشی، دانشجوی، ارزشیابی و آموزشگر وارد تحلیل رگرسیون گام به گام شدند و در مجموع، ۶۹/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان را تبیین کردند.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی، روحیه‌ی کارآفرینی، استقلال طلبی، ریسک‌پذیری.

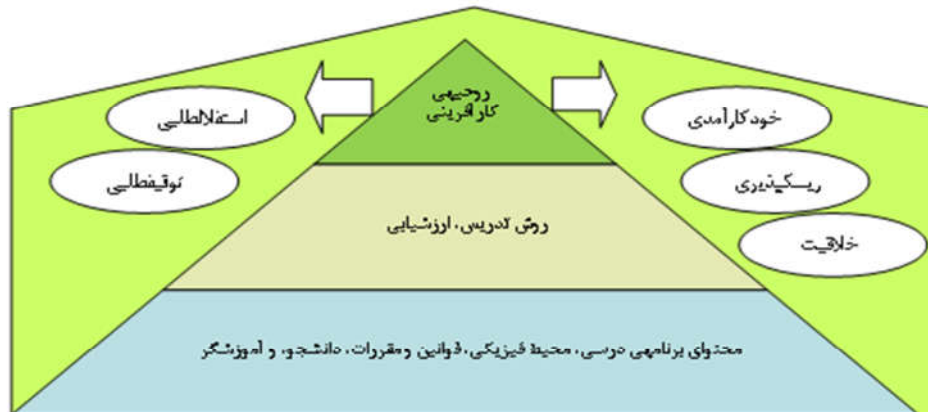
## مقدمه

بیکاری دانش‌آموختگان یکی از معضلات دیرینه و کنونی کشورهای گوناگون به ویژه جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته است. بحران بیکاری در جوامع در حال توسعه ریشه دوانیده و دولت‌ها قادر به برطرف کردن نیازهای فناورانه جوامع خود نیستند (اولادیان و همکاران، ۱۳۸۹). چرا که بیشتر خروجی‌های دانشگاه‌ها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی ندارند. این مسئله به دلایل متعددی از جمله برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه درسی آموزش عالی با تحولات و تقاضای دنیای کار و عدم پیش‌بینی‌های مناسب برای نیروی انسانی مورد نیاز آینده است (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶). این در حالی است که یکی از مقاصد نظام آموزش عالی، آماده نمودن دانشجویان برای ایفای نقش مؤثر در زندگی کاری است. از این‌رو، دانشجویان پس از دانش‌آموختگی میان مشاغل دولتی و خصوصی در جستجوی کار هستند و کمتر به کارآفرینی تمایل دارند (کوثری و نوروز زاده، ۱۳۸۸). این در حالی است که نقش مسلم نوآوری و کارآفرینی در توسعه اقتصاد دانایی‌محور و نیل به توسعه پایدار جوامع در جهان کنونی، آشکار گردیده و به دنبال خود توجه بسیاری از محافل دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی را از حیث نظریه‌پردازی و نیز عرصه‌های تصمیم‌سازی به خود معطوف نموده است. کارآفرینی از منابع مهم و پایان‌ناپذیر همه جوامع بشری است. منبعی که به توان خلاقیت انسان‌ها برمی‌گردد. از یک سو، ارزان و از سوی دیگر، پایان‌ناپذیر است. لذا، می‌توان گفت که کارآفرینی فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه‌ای منحصر به فرد منابع، به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها است (کیا و نساج، ۱۳۸۵). معمولاً واژه کارآفرینی با ایجاد شغل و کسب و کار مترادف شده است، در حالی که اشتغال یکی از آثار کارآفرینی است. ممکن است فعالیت‌های کارآفرینانه اشتغال ایجاد نکند، اما تولید ثروت کند و یا به دانایی بیافزاید. اما، سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کدام ویژگی‌ها، روحیه کارآفرینی را پیش‌بینی می‌کند؟ پاسخ اولیه به این پرسش توسط رهیافت ویژگی‌ها ارائه شد یا به عبارت دیگر روحیه کارآفرینی تنها به شخصیت فرد نسبت داده شد (Baum et al, 2007). در این رابطه، عواملی همچون خودکارآمدی، ریسک‌پذیری، تمایل، استقلال‌طلبی، خلاقیت، توفیق‌طلبی و خوشبینی مشخص شد (Fraser and Greene, 2006 ; Rauch and Frese, 2007; Pillis & Reardon, 2007; Wilson et al, 2007; Gurel et al, 2010). با این حال، زمینه‌های بسیاری در تقابل و انتقاد با این رویکر به وجود آمد. پدیده کارآفرینی در زمینه‌های مختلف و در تعامل نزدیک با افراد دیگر و محیط رخ می‌دهد (Rabinson et al, 1991) و روحیه کارآفرینی صرفاً براساس شخصیت فرد تا حدودی برداشت تقلیل‌گرایانه است. لمبرت (۱۹۹۲) بیان می‌کند که برخی افراد دارای ترکیبی از ویژگی‌های روانشناختی در تعامل با عامل‌های زمینه‌ای هستند که آنها را بیشتر به تلاش برای یافتن یک کسب و کار ترغیب می‌کند. کسب و کارهای خانوادگی و آموزش، برخی از جنبه‌های کارآفرینی را از طریق تجهیز افراد به توانایی‌ها و ایجاد نگرش برای درگیر شدن در کسب و کار تحت تأثیر قرار می‌دهند (Altinay, 2008). آموزش با مجهز کردن افراد به دانش و تجربه برای

مقابله با موقعیت‌های مختلف، ممکن است باعث تحریک یا مانع روحیه کارآفرینی گردد (Krueger & Carsrud, 1993). پژوهش‌ها در خصوص اثر آموزش بر روحیه کارآفرینی بسیار چشم‌گیر و کاملاً دو قطبی است. هرچند که برخی از محققان ادعا می‌کنند که آموزش روحیه کارآفرینی فرد را کاهش می‌دهد (Krueger & Carsrud, 1993)، برخی دیگر، بیان می‌کنند که روحیه کارآفرینی افراد در واقع با آموزش افزایش پیدا می‌کند (Clercq & Arenius, 2006). پژوهشگران گروه دوم بیان می‌کنند که آموزش می‌تواند خلاقیت، انعطاف‌پذیری، خود-هدایتی<sup>۱</sup> و مسؤولیت‌پذیری در برابر عوامل گسترده موقعیتی و در نتیجه کمک به رفتارهای نوآورانه افراد را بهبود بخشد (Llewellyn & Wilson, 2003). به طور اختصاصی، افراد با دسترسی به آموزش می‌دانند چه زمانی، چگونه و کجا شروع به احداث شرکت خود کنند. در تأیید این موضوع، پترز (۲۰۰۲) اظهار می‌کند که دستیابی به آموزش، افراد را مجهز به مهارت‌ها و بینش باز و انعطاف‌پذیر برای قابلیت‌های بازار و فرصت‌های آن می‌کند. نتایج پژوهش‌ها (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶؛ حسینی و عزیز، ۱۳۸۶؛ تقی‌پور و غفاری، ۱۳۸۸؛ کیا و نساج، ۱۳۸۵؛ شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵) در ارتباط با نقش آموزش بر روحیه کارآفرینی نشان داده‌اند که آموزش موجب افزایش روحیه کارآفرینی دانشجویان شده و دانشجویانی که در معرض آموزش‌های کارآفرینی قرار می‌گیرند، نسبت به همتایان خود، احتمال بیشتری دارد که خود استخدام باشند. در همین راستا، نتایج پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین عوامل آموزش‌های دانشگاهی، آموزشگران دانشگاه، محتوای آموزشی و روش‌های تدریس اجرا شده در دانشگاه با روحیه کارآفرینی وجود دارد. همچنین، حسینی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میان روحیه کارآفرینی دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی و روش‌های تدریس خلاق، محتوای مناسب دروس دانشگاهی، دارا بودن توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی، برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان و فضای مناسب و رقابتی در دانشگاه رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. در مقابل، برخی از پژوهشگران بر این باورند که آموزش، روحیه کارآفرینی افراد را کاهش می‌دهد، در این باره، آنان بیان می‌کنند که آموزش رسمی می‌تواند موجب کاهش کنجکاوی، دیدگاه و افزایش ریسک‌گریزی شود (Fallows, 1985). در این بین یکی از عناصر مهم نظام آموزش عالی که می‌تواند بر روحیه کارآفرینی دانشجویان اثرگذار باشد؛ مؤلفه‌های برنامه درسی است. مؤلفه‌های برنامه درسی ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی هستند که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارت‌ها، بیانگر فلسفه یا هدف‌های تربیتی یا به عبارتی، سیاست‌های آن مؤسسه نیز هستند (Vaziri, 2008). در واقع، برنامه درسی به عنوان قلب مراکز دانشگاهی در توفیق یا شکست این مراکز، نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای دارند (Lanenburg et al, 2004). بر این اساس، برنامه درسی نشان‌دهنده میزان پیشرفت و پاسخگو بودن

دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند (Fathi Vajargah & Shafiea, 2007). واشقانی فراهانی و اسفند فرد (۱۳۸۳) در مطالعه خود مؤلفه‌های برنامه درسی نظام آموزش‌های علمی-کاربردی را از نگاه سیستمی شامل فضا و تجهیزات، فراگیران، آموزشگران، محتوای درسی، ارزشیابی و شرایط تدریس و یادگیری ذکر کرده‌اند. در راستای نقش مؤلفه‌های برنامه درسی بر روحیه کارآفرینی پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. کیا و نساج (۱۳۸۵) به منظور بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی شاخه کار و دانش در آموزش متوسطه شامل سه مؤلفه محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی، بیان نمودند که کتاب درسی کارآفرینی توانسته است اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینی را در هنرجویان ایجاد کند. خسروی‌پور و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود نشان دادند که در فرایند حرکت نظام آموزش‌های علمی-کاربردی کشاورزی به سمت نظامی که بتواند دانشجویانی ماهر، عملیاتی و دارای روحیه کارآفرینی تربیت کند، قابلیت‌ها و توانایی‌های مدرسان، تغییر روش‌های آموزشی، تغییر و بهبود محتوای آموزشی، تجهیز مراکز آموزشی، تغییر در نحوه جذب و پذیرش دانشجو و بالاخره بهبود سازماندهی و تشکیلات مراکز علمی-کاربردی کشاورزی از جمله مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار به شمار می‌رود. یافته‌های پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین عوامل آموزش‌های دانشگاهی، آموزشگران دانشگاه، محتوای آموزشی و روش‌های تدریس اجرا شده در دانشگاه با روحیه کارآفرینی وجود دارد. اولادیان و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نقش توجه به منابع انسانی و امکانات آموزشی در برنامه‌ریزی درسی رشته علوم تربیتی بر کارآفرینی بسیار زیاد است. یافته‌های پژوهش ویلسون و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینی و خودکارآمدی کارآفرینانه دانشجویان وجود دارد. پژوهش ژانگ و بارتال (۲۰۱۰) نشان داد که شیوه‌های مختلف رهبری و مدیریت (قوانین و مقررات) در مراکز آموزشی، امکان دارد در رشد روحیه کارآفرینی و خلاقیت فراگیران به شکل اثرگذاری نقش داشته باشد. پژوهش اولادیان و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که از دیدگاه دانش‌آموختگان و مدیران کارآفرین، توجه به اهداف و مفاهیم آموزشی، توجه به مفاهیم آموزشی، توجه به منابع انسانی و امکانات آموزشی، ارزشیابی آموزشی، ریسک‌پذیری افراد، انگیزه پیشرفت، خلاقیت افراد و منبع کنترل فردی در برنامه درسی کارآفرینی رشته علوم تربیتی، تأثیر دارد. باید توجه داشت که در حال حاضر نیاز به افراد کارآفرین بخصوص در رشته‌های کشاورزی با توجه به ظرفیت بالای این بخش در اشتغال‌زایی، یکی از نیازهای اساسی کشور محسوب می‌گردد و از آنجایی که نظام آموزش عالی کشاورزی به طور عام و مؤلفه‌های برنامه درسی آن، به طور خاص می‌توانند بر روحیه کارآفرینی دانشجویان تأثیر داشته باشند؛ بررسی نقش این مؤلفه‌ها بر روحیه کارآفرینی دانشجویان از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا، هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش مؤلفه‌های برنامه درسی بر روحیه کارآفرینی دانشجویان در مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان البرز است. چارچوب مفهومی پژوهش نیز بر پایه‌ی سوابق مطالعاتی، مطابق با نگاره‌ی (۱)

تدوین شده است.



**نگارهی ۱- چارچوب مفهومی پژوهش:** این چارچوب بیان میدارد که مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی در ارتباط ننگارنگی یکدیگر و با صلاحیتهای مورد نیاز برای ورود به فرایند کارآفرینی هستند. در واقع، مؤلفه‌های محتوای آموزشی، محیط فیزیکی، قوانین و مقررات، دانشجو و آموزشگر تعیین کننده‌ی انتخاب روش تدریس و روش ارزشیابی میباشند و مجامع این مؤلفه‌ها بر روحیه کارآفرینی دانشجویان اثرگذارند. از سوی دیگر، پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان موجب بازنگری و تغییر مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی متناسب با شرایط جدید میشود.

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر امکان کنترل متغیرها غیرآزمایشی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها میدانی به شمار می‌رود. با توجه به محدوده زمانی، این پژوهش، تک مقطعی بوده و داده‌ها و اطلاعات در یک مقطع زمانی گردآوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان البرز بود ( $N=2004$ )؛ که تعداد ۱۱۵ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. به منظور افزایش دقت اندازه‌گیری تعداد نمونه به ۱۸۵ نفر افزایش یافت که در نهایت ۱۷۸ پرسشنامه گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به منظور تعیین حجم نمونه، انحراف معیار جامعه مورد مطالعه و دقت احتمالی مطلوب، مجموعاً ۳۰ نفر از هر دو مرکز به صورت تصادفی و خارج از نمونه مورد بررسی، برای انجام پیش‌آزمون انتخاب شدند. ویژگی مورد سنجش برای تعیین انحراف معیار جهت استفاده در فرمول کوکران<sup>۲</sup> «روحیه کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه» بود. انحراف معیار به دست آمده معادل ۵/۶۹ بود که پس از قرار دادن داده‌ها در رابطه (۱)، دقت احتمالی مطلوب برابر ۲/۰۳ محاسبه گردید که به منظور افزایش دقت و صحت نتایج به ۱/۰۱ تعدیل شد (منصورفر، ۱۳۹۰).

### 1. Cochran's Formula

رابطه ۱- محاسبه دقت احتمالی مطلوب

$$\text{حجم نمونه } n = \frac{(t.s)^2}{d^2} = \frac{(1.96 \times 5.69)^2}{2.03^2} = 115$$

نمونه  $d$  = نصف فاصله حدود اعتماد

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} = \frac{2004 \times (1.96 \times 5.69)^2}{2004 \times 1.01^2 + (1.96 \times 5.69)^2} = 115$$

ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای در دو بخش بود. بخش اول مربوط به مؤلفه‌های برنامه درسی بود که روایی ظاهری و محتوایی آن توسط اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران تأیید شد. به منظور تعیین پایایی ابزار پژوهش، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۱) حاکی از پایایی بالای پرسشنامه برای بخش‌های مختلف آن است. به منظور تعیین میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان، از آزمون استاندارد جامع کارآفرینی<sup>۳</sup> استفاده گردید (Zali et al, 2007). برخی از عبارات این پرسشنامه با توجه به شرایط بومی و فرهنگی کشور از لحاظ جمله‌بندی و ظاهری اصلاح شد. لازم به ذکر است که به منظور افزایش دامنه انتخاب پاسخگویان، گویه‌های این پرسشنامه از حالت موافق و مخالف، در قالب طیف لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق طراحی گردید. زالی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی آزمون جامع کارآفرینی را با آلفای ۰/۶۲ تأیید نمودند؛ در این پژوهش نیز، ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف این آزمون، محاسبه گردید و نتایج آن، حاکی از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری می‌باشد. نتایج تفصیلی ضریب آلفای کرونباخ برای آزمون جامع کارآفرینی در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول ۱: مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های برنامه درسی

ردیف	نام متغیر	مقدار آلفا
۱	روش تدریس	۰/۸۸
۲	محتوا	۰/۸۳
۳	محیط فیزیکی	۰/۸۵
۴	یادگیرنده	۰/۷۷
۵	آموزشگر	۰/۷۱
۶	ارزشیابی	۰/۸۵
۷	قوانین و مقررات	۰/۷۸

پرسشنامه آزمون جامع کارآفرینی از پنج بخش تشکیل شده است که عبارتند از: توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، خلاقیت، و اعتماد به نفس. هر یک از این پنج بخش، به جز استقلال‌طلبی که با شش گویه سنجیده می‌شود، بقیه بخش‌ها با دوازده گویه سنجیده می‌شوند. بر اساس آزمون جامع کارآفرینی، به منظور این که مشخص شود که افراد در چه سطحی از

۱. این پرسشنامه توسط مؤسسه توسعه کارآفرینی در هند طراحی شده است.

روحیه کارآفرینی هستند، باید نمره‌ای را در هر یک از بخش‌های این آزمون کسب کنند. بنابراین، اگر نمره کسب شده برابر یا بیشتر از مقدار تعیین شده باشد، بدان معنی است که فرد از روحیه کارآفرینی بالایی برخوردار بوده است. اما اگر نمره کسب شده کمتر از مقدار تعیین شده باشد، روحیه کارآفرینی فرد، پایین‌تر از حد انتظار است و می‌توان چنین گفت که روحیه کارآفرینی او پایین است. امتیازهای تعیین شده در این آزمون، برای قابل قبول بودن روحیه کارآفرینی، در جدول (۳) نشان داده شده است (Zali et al (2007). تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSSWin20 صورت گرفت.

**جدول ۲: مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف آزمون جامع کارآفرینی**

ردیف	ویژگی	آلفای کرونباخ در صورت حذف مقیاس
۱	توفیق طلبی	۰/۷۲
۲	استقلال طلبی	۰/۷۶
۳	خلاقیت	۰/۶۶
۴	ریسک پذیری	۰/۶۹
۵	اعتماد به نفس	۰/۷۱

**جدول ۳: حداکثر و میانگین نمره قابل قبول هر یک از ویژگی‌های کارآفرینی**

ردیف	ویژگی	حداکثر نمره	نمره قابل قبول
۱	توفیق طلبی	۴۸	۳۶
۲	استقلال طلبی	۲۴	۱۶
۳	خلاقیت	۴۸	۳۲
۴	ریسک پذیری	۴۸	۳۲
۵	اعتماد به نفس	۴۸	۳۲
	نمره کل	۲۱۶	۱۴۸

### نتایج و بحث

یافته‌ها نشان داد که میانگین سنی دانشجویان ۲۶/۲۱ سال با انحراف معیار ۷/۱۱ سال می‌باشد. مسن‌ترین دانشجو ۵۵ سال و جوان‌ترین دانشجو ۲۰ سال داشت. این امر حاکی از آن است که میانگین سن دانشجویان برای مقاطع کاردانی و کارشناسی، بالا بوده و اختلاف سنی بین آنها زیاد است. میانگین معدل دانشجویان ۱۵/۹۶ با انحراف معیار ۱/۵۸ بود و بیشترین فراوانی مربوط به معدل ۱۵ بود. در مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره)، ۶۰/۷ درصد از دانشجویان را دختران و ۳۹/۳ درصد را پسران تشکیل می‌دادند. این نسبت برای مرکز آموزش عالی جوانشیر به ترتیب معادل ۱۸/۶ درصد دختر و ۸۱/۴ پسر بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که در هر دو مرکز، تعادلی بین دانشجویان از نظر جنسیت وجود ندارد. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن بود که نسبت دانشجویان با سابقه‌ی کسب و کار در خانواده به سایر دانشجویان، بسیار کم می‌باشد؛ این درصد برای مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) ۱۷/۸ و برای مرکز آموزش عالی جوانشیر، تنها ۹/۳ بود. یافته‌ها نشان داد که میانگین نمره‌های کسب شده از سوی دانشجویان برای هر یک از ویژگی‌های روحیه کارآفرینی، پایین‌تر از نمره قابل قبول برای آن ویژگی‌ها بر

اساس پرسشنامه آزمون جامع کارآفرینی می‌باشد. این بدان معنا است که به طور کلی، روحیه کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه پایین است. لازم به ذکر است که دانشجویان مرکز آموزش عالی جوانشیر از نظر ویژگی‌های توفیق‌طلبی و اعتماد به نفس نسبت به دانشجویان مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) در وضعیت بهتری قرار داشتند؛ اما در مقابل، دانشجویان مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) از نظر ویژگی‌های استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و خلاقیت از وضعیت بهتری نسبت به دانشجویان مرکز آموزش عالی جوانشیر برخوردار بودند و در کل، روحیه کارآفرینی دانشجویان مرکز آموزش عالی جوانشیر بالاتر از مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) بود. این امر با توجه به این‌که مؤلفه‌های برنامه درسی مانند محتوا و قوانین و مقررات در هر دو مرکز یکسان است، می‌تواند ناشی از تفاوت در ویژگی‌های فردی فراگیران مانند جنسیت، خلاقیت، استقلال‌طلبی و اعتماد به نفس باشد. عوامل دیگری که می‌تواند علت چنین امری باشد، وجود تفاوت در مؤلفه‌های محیط فیزیکی و آموزشگران و به تبع این عوامل مؤلفه روش تدریس و ارزشیابی در این مراکز است. یافته‌ها حاکی از آن است که از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های برنامه درسی در مراکز علمی-کاربردی مورد مطالعه، به ترتیب توجه به مؤلفه آموزشگر در رتبه اول و دانشجو، محتوا، روش تدریس، محیط فیزیکی، ارزشیابی و قوانین و مقررات در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که در کل میزان توجه به مؤلفه‌های برنامه درسی در مراکز مورد مطالعه، در حد متوسط بوده است. نتایج این یافته‌ها در جدول (۵) قابل مشاهده است.

#### جدول ۴: بررسی ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان به تفکیک مراکز علمی-کاربردی

ویژگی‌های کارآفرینانه	مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره)		مرکز آموزش عالی جوانشیر	
	میانگین محاسبه شده	نمره قابل قبول	میانگین محاسبه شده	نمره قابل قبول
توفیق‌طلبی	۳۰	۳۶	۳۱	۳۶
استقلال‌طلبی	۸	۱۶	۸	۱۶
ریسک‌پذیری	۲۸	۳۲	۲۸	۳۲
خلاقیت	۲۴	۳۲	۲۵/۸	۳۲
اعتماد به نفس	۲۵	۳۲	۲۷/۴	۳۲
نمره کل	۱۱۵	۱۴۸	۱۲۰/۲	۱۴۸

#### جدول ۵: اولویت‌بندی میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های برنامه درسی

مؤلفه‌ها	میانگین از ۵	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
آموزشگر	۳/۸۱۴	۰/۶۵۰	۰/۱۷۰	۱
دانشجو	۳/۰۰۰	۰/۵۶۲	۰/۱۸۷	۲
محتوا	۳/۴۶۰	۰/۶۷۳	۰/۱۹۴	۳
روش تدریس	۳/۱۸۵	۰/۶۷۵	۰/۲۱۲	۴
محیط فیزیکی	۳/۷۹۲	۰/۹۱۸	۰/۲۴۲	۵
ارزشیابی	۳/۲۳۶	۰/۸۰۲	۰/۲۴۸	۶
قوانین و مقررات	۲/۶۰۶	۰/۸۵۱	۰/۳۲۶	۷

مقیاس: خیلی کم = ۱ کم = ۲ متوسط = ۳ زیاد = ۴ خیلی زیاد = ۵



نتایج آزمون همبستگی بر اساس جدول (۶) نشان داد که بین همه مؤلفه‌های برنامه درسی با روحیه کارآفرینی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری در سطح یک درصد خطا وجود دارد. این یافته بیانگر آن است که با افزایش میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های برنامه درسی در مراکز علمی-کاربردی مورد بررسی، روحیه کارآفرینی دانشجویان این مراکز نیز متناسب با آن تغییر می‌کند.

**جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن در باره مؤلفه‌های برنامه درسی با روحیه کارآفرینی**

مؤلفه‌ها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
روش تدریس	۰/۳۷۷**	۰/۰۰۰
محتوا	۰/۷۸۵**	۰/۰۰۰
محیط فیزیکی	۰/۵۲۸**	۰/۰۰۰
یادگیرنده	۰/۵۳۲**	۰/۰۰۰
آموزشگر	۰/۵۶۵**	۰/۰۰۰
ارزشیابی	۰/۳۲۱**	۰/۰۰۰
قوانین و مقررات	۰/۳۶۷**	۰/۰۰۰

\*\*معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ خطا \* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ خطا

**جدول ۷: مقدار تاثیر مؤلفه‌های برنامه درسی بر ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان**

متغیر	$\beta$	Beta	t
ضریب ثابت $b_0$	۳/۲۲۱	-----	۰/۴۵۶
محتوا $X_1$	۱/۵۷۷	۰/۴۰۳	۵/۶۷۱**
یادگیرنده $X_2$	۱/۲۶۴	۰/۲۳۰	۳/۰۱۹**
ارزشیابی $X_3$	۰/۶۴۱	۰/۱۷۸	۳/۰۲۶**
آموزشگر $X_4$	۱/۲۱۰	۰/۱۸۷	۲/۲۸۰*
	$R^2_{adj} = ۰/۶۸۳$	$F = ۷۳/۷۷۰^{**}$	

\*\*معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ خطا \* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ خطا

به منظور پیش‌بینی میزان نقش هر یک از مؤلفه‌های برنامه درسی در روحیه کارآفرینی دانشجویان، از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که به ترتیب چهار مؤلفه: محتوای آموزشی، یادگیرنده، ارزشیابی و آموزشگر وارد معادله رگرسیون شدند و در مجموع ۶۹/۳ درصد از واریانس روحیه کارآفرینی را تبیین نمودند. لازم به ذکر است که محتوای برنامه درسی دارای بیشترین تأثیر در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان بود. در جدول (۷) یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داده شده است. با توجه به مدل نهایی رگرسیون چند متغیره گام به گام، با معادله زیر می‌توان میزان تأثیر مؤلفه‌های برنامه درسی در روحیه کارآفرینی دانشجویان را تخمین زد:

$$y = ۳/۲۲۱ + ۱/۵۷۷(x_1) + ۱/۲۶۴(x_2) + ۰/۶۴۱(x_3) + ۱/۲۱۰(x_4)$$

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جذب دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در بازار کار منوط بر داشتن توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که

که بخشی از آنها می‌بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه‌ها ایجاد گردد که مراکز علمی-کاربردی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بنابراین، مراکز آموزش علمی-کاربردی نقش مهمی در ظهور و پرورش کارآفرینان ایفا می‌کنند؛ این نقش تابع شرایط محیطی برون‌زا در سطح ملی و عملکرد درونی نظام آموزش علمی-کاربردی است. در این بین، یکی از مؤلفه‌های اثرگذار و مهم در ایجاد روحیه کارآفرینی، برنامه درسی است که خود متشکل از مؤلفه‌های دیگری از جمله آموزشگر، یادگیرنده، محیط فیزیکی، محتوای آموزشی، روش تدریس، روش ارزشیابی، و قوانین و مقررات است. لذا، با عنایت به اهمیت مؤلفه‌های برنامه درسی در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش هر یک از این مؤلفه‌ها در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان مراکز علمی-کاربردی جهاد کشاورزی استان البرز بود. یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی نشان داد که بین تمامی مؤلفه‌های برنامه درسی در مراکز علمی-کاربردی کشاورزی با روحیه کارآفرینی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این امر بدان معنی است که با افزایش میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های برنامه درسی در مراکز علمی-کاربردی مورد بررسی، روحیه کارآفرینی دانشجویان نیز متناسب با آن تغییر خواهد نمود. این یافته‌ها، نتایج پژوهش‌های حسینی و عزیز (۱۳۸۶)؛ تقی‌پور و غفاری (۱۳۸۸)؛ شریف‌زاده و زمانی (۱۳۸۵)؛ کیاو نساج (۱۳۸۵)؛ خسروی‌پور و همکاران (۱۳۸۶)؛ احمدی و همکاران (۱۳۸۸)؛ اولادیان و همکاران (۱۳۸۹)؛ ویلسون و همکاران (۲۰۰۷) و ژانگ و بارتال (۲۰۱۰) مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین عوامل آموزش‌های دانشگاهی، آموزشگران دانشگاه، محتوای آموزشی و روش‌های تدریس اجرا شده در دانشگاه با روحیه کارآفرینی، تأیید می‌نماید. این در حالی است که یافته‌های حاصل از آمار توصیفی حاکی از آن بود که روحیه کارآفرینی دانشجویان در مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی در جامعه مورد بررسی، پایین‌تر از استانداردهای تعیین شده توسط موسسه توسعه کارآفرینی در هند است. لذا، می‌توان چنین بیان نمود که با توجه به وجود رابطه مثبت و معنادار بین مؤلفه‌های برنامه درسی از یک طرف و پایین بودن روحیه کارآفرینی دانشجویان تحت بررسی از طرفی دیگر؛ مؤلفه‌های برنامه درسی در این مراکز در راستای پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان موفق نبوده است. این امر می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی همچون مناسب نبودن محتوای آموزشی برای ایجاد روحیه کارآفرینی، عدم آشنایی آموزشگران با فرایندهای کارآفرینی، ارزشیابی‌های مبتنی بر سطوح پایین یادگیری، مناسب نبودن محیط آموزشی جهت پرورش روحیه کارآفرینی و عدم وجود روحیه کافی، خلاقیت، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و ... در خود دانشجویان به منظور ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه باشد. لذا، بر پایه نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود که:

با توجه به وجود رابطه مثبت و معنادار بین مؤلفه‌های آموزشگر و فراگیر با روحیه کارآفرینی دانشجویان و این که آموزشگر به عنوان یکی از ارکان اساسی تدریس و یادگیری به شمار می‌آید، لازم است که در وهله اول جهت ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان، از آموزشگرانی استفاده نماییم که سابقه کارآفرینی داشته و یا اینکه به نحوی با کارآفرینان در ارتباط باشند و با

رفتارهای خلاق خویش، حس اعتماد به نفس و خلاقیت را که از ملزومات کارآفرینی است، در فراگیران خود به وجود آورند. همچنین، ضرورت دارد که آموزشگران در تدریس خود به رفتارهای خلاق فراگیران توجه نموده و با تشویق این رفتارها، زمینه‌ی ایجاد روحیه کارآفرینی را فراهم نمایند.

با توجه به وجود رابطه مثبت و معنادار بین محتوای آموزشی و روحیه کارآفرینی دانشجویان، ضرورت دارد که سازمان‌های ذربط، در محتوای آموزشی این مراکز تجدید نظر نموده و با قرار دادن واحدهای کارآفرینی مرتبط با فعالیت‌های بخش کشاورزی و فراهم با بخش صنعت، قدرت ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و اعتماد به نفس را که از بنیان‌های اساسی در ایجاد روحیه کارآفرینی است، تقویت نموده و به تبع آن، خروجی‌های این مراکز افرادی توانمند در زمینه شروع فعالیت‌های کارآفرینانه باشند.

با توجه به وجود رابطه مثبت و معنادار بین روش ارزشیابی و روحیه کارآفرینی دانشجویان، ضرورت دارد که آموزشگران در روش‌های ارزشیابی متداول مبتنی بر نمره، تجدید نظر نموده و جهت‌گیری ارزشیابی‌های خود را به سوی تفکر خلاق، حل مسئله، تفکر انتقادی و یادگیری ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، سوق دهند. بنابراین، آموزشگران باید از طریق تدریس، فراگیران را تغذیه نموده تا این‌که به سطح کیفی مد نظر برسند. لازمه این امر، تجدید نظر در قوانین و مقررات مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی، مبنی بر برگزاری امتحان‌ها در زمان‌های از پیش تعیین شده و فراهم نمودن محیط فیزیکی مناسب به منظور تدریس، یادگیری و ارزشیابی‌های خلاقانه است.

#### منابع:

احمدی، ح.، فرج‌اله حسینی، س.ج. و امیدی نجف آبادی (۱۳۸۸). شناسایی برخی عوامل همبسته با ترویج کارآفرینی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال سوم، شماره ۳، صص ۴۹-۳.

اولادیان، م.، سیف نراقی، م.، نادری، ع. و شریعتمداری، ع (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانش-آموختگان دانشگاه تهران و مدیران کارآفرینی شهر تهران به منظور فراهم کردن الگوی مناسب برنامه درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی گرایش (مدیریت و برنامه ریزی آموزشی). فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۰۳-۸۱.

تقی‌پور، س. و غفاری، ه (۱۳۸۸). بررسی نقش برنامه درسی پنهان در رفتار انضباطی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران و معلمان مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان خلخال در سال تحصیلی ۸۹-۸۸. فصلنامه علوم تربیتی، شماره ۷، صص ۶۵-۳۳.

- حسینی، س.م. و عزیز، ب (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. *مجله علوم کشاورزی ایران*، دوره ۲-۳۸، صص ۲۵۱-۲۴۱.
- حسینی، س.م.، فرج الله حسینی، س.ج. و سلیمانپور، م (۱۳۸۸). عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشکده‌های کشاورزی استان تهران. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۵، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۰۱.
- خسروی پور، ب، ایروانی، ه.، حسینی، م. و موحد محمدی، ح (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های آموزشی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی. *مجله علوم کشاورزی ایران*، دوره ۲-۳۸، شماره ۲، صص ۲۱۷-۲۰۷.
- زالی، م.ر.، مدهوشی، م. و کردنائیج، ا (۱۳۸۶). ارزیابی مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه مازندران). *ویژه‌نامه مدیریت، پاییز ۱۳۸۶*، صص ۱۱۳-۸۱.
- شریف‌زاده، م. و زمانی، غ.ج (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز. *علوم کشاورزی ایران*، جلد ۲-۳۷، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۰۷.
- کوثری، م. و نوروز زاده، ر (۱۳۸۸). تبیین ویژگی‌های عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۴، صص ۱۸-۱.
- کیا، م. و نساج، س (۱۳۸۵). نگاهی نو به آموزش‌های کارآفرینی. *فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی سازمان همیاری و اشتغال جهاد دانشگاهی*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۰-۱۶.
- منصورفر، ک (۱۳۹۰). *روش‌های آماری*. ویرایش اول، چاپ دهم، دانشگاه تهران.

Altinay, L. 2008. The relationship between an entrepreneur's culture and the entrepreneurial behaviour of the firm. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 15(1), 111-120

Baum, J.R., Frese, M., Baron, R.A. and Katz, J.A (2007), "Entrepreneurship as an area of psychological study: an introduction", In: Baum, J.R., Frese, M., Baron, R.A. (Eds.), *The Psychology of Entrepreneurship*. Lawrence Earlbaum, Mahwah, NJ, PP. 1-18.

Clercq, D. D., & Arenius, P. 2006. The role of knowledge in business start-up activity. *International Small Business Journal*, 24(4), 339-358.

Fallows, J. 1985. The case against credentialism. *The Atlantic Monthly*, December, 49-67.

Fathi Vajargah, K. 2007. *Principles of Curriculum Development*, Publisher: Iran Zamin, Seventh Edition. (In Farsi)

Fraser, S. & Greene, F.J. 2006. Are Entrepreneurs Etemal Optimists or do thay Get Real. *Economica*, 73 (290), 169-192.

- Gurel, E., Altinay, L., Daniele, R., 2010. Tourism students' entrepreneurial intentions. *Annals of Tourism Research*, 37 (3), 646–669.
- Krueger, N. F., & Carsrud, A. L. 1993. Entrepreneurial intentions: Applying the theory of planned behavior. *Entrepreneurship and Regional Development*, 5, 315–330.
- Lanenburg, F. C. and A. C Ornstein (2004); *Educational Administration, Concepts and Practices*; Wadsworth Publishing Complaining.
- Learned, K. E. 1992. What happened before the organization? A model of organization formation. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 17(1), 39–48.
- Llewellyn, D. J., & Wilson, K. M. 2003. The controversial role of personality traits in entrepreneurial psychology. *Education and Training*, 45(6), 341–345.
- Manourfar, K. 2004. Statistical Methods. Publisher: Tehran: *Tehran university, Institute of Publishing and Printing*
- Peters, N. 2002. Mixed embeddedness: Does it really explain immigrant enterprise in Western Australia? *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, 8(1/2), 32–53.
- Pillis, E., and K.K. Reardon. 2007. The influence of personality traits and persuasive messages on entrepreneurial intention: A cross-cultural comparison. *Career Development International* 12, no. 4: 382–96.
- Rauch, A., & Frese, M. 2007. Born to Be an Entrepreneur? Revisiting the Personality Approach to Entrepreneurship.
- Robinson, P. B., Stimpson, D. V., Huefner, J. C., & Hunt, H. K. 1991. An attitude approach to the prediction of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, Summer, 13–31.
- Vaziri, M. 2008. The System of Curriculum Development in Iran Higher Education: Characteristics and Directions; *Doctoral Dissertation, Tehran: Tarbiat Modares University* (In Farsi).
- Wilson, F., J. Kickul, and D. Marlino. 2007. Gender, entrepreneurial self-efficacy, and entrepreneurial career intentions: Implications for entrepreneurship education. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 31, no. 3: 387–401.

## **Analyzing effects of curriculum components on entrepreneurial sprit of students, case study: Higher Education Applied Science centers in Alborz province**

F.Monavarifard<sup>1</sup>, S.H.Movahed mohammadi<sup>2</sup>, A. rezvanfar<sup>3</sup>

- 1) M.sc. Graduate of Agricultural Education, College of Agriculture and Natural Resources, University of Tehran, Iran.
- 2) and 3. Professors of agriculture extension & education, university of Tehran, Iran.

\*Correspondence author: [Monavvarifard@ui.ac.ir](mailto:Monavvarifard@ui.ac.ir)

Received Date: 2019/05/06

Accepted Date: 2019/08/11

### **Abstract**

The purpose of this study was analyzing effects of curriculum components on entrepreneurial sprit of students. Statistic Population of this research was consisted of students of Agricultural Jihad ministry in Alborz province (N= 2004); that 178 persons were selected as sample by use stratified random sampling proportional allocation in tow Higher Education Centers (Imam Khomeini and Javanshir). Data were analyzed by using SPSS software. The Results of descriptive statistics showed that the entrepreneurial spirit of students was lower than expected, and they entrepreneurial spirit was low. The results of correlation analysis showed that between all components of the curriculum with student's entrepreneurial spirit, with confidence %99 have a positive and significant relationship. The results of analysis of regression indicated that 69/3% of dependent variable changes were explained by four independent variables such as educational content, student, teacher and evaluation.

**Keywords:** Curriculum components, Entrepreneurial spirit, Risk taking, Independence.